

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: روابط خارجی حزب کار ایران(توفان)

۱۱/۰۲/۱۶

طنز تاریخ، دو انقلاب در ۲۲ [دلو] بهمن، انقلاب ایران و انقلاب مصر

طنز تاریخ بسیار آموزنده است. در روز ۲۲ [دلو] بهمن ۱۳۵۷ انقلاب شکوهمند بهمن تومار رژیم سلطنت را درهم نوردید و یک رژیم دزد، غارتگر، مستبد و نوکر امپریالیسم و صهیونیسم را از ایران اخراج کرد. انقلاب ایران سلطنت را در تاریخ ایران برای همیشه منقرض نمود و دست امپریالیستها و صهیونیستها را از تعیین سرنوشت سیاسی مردم ایران کوتاه کرد. در ایران روز فرار شاه را ملیونها مردم ایران با پایکوبی جشن گرفتند و این روز روز همه پرسى از مردم ایران برای انقراض سلطنت بود. این روز روزی است که ضد انقلاب مغلوب در ایران آنرا به رسمیت نمی شناسد. این روز روز بیان قاطع نظر اکثریت شکننده مردم ایران است که ضد انقلاب ایران حاضر نیست نظر اکثریت مردم ایران را بپذیرد و به آن احترام بگذارد. روزی که شاه رفت ۳۰ ملیون در ایران جشن گرفتند ولی ضد انقلاب مغلوب با بی شرمی آنرا نمی پذیرد و به رأی تاریخی مردم ایران گردن نمی نهد و مدعی است تنها تصمیمی را قبول دارد که منافع آنها را تأمین کند. ضد انقلاب مغلوب ایران ضد دموکرات و مستبد و ریاکار باقی مانده است و فکر می کند با جعل تاریخ به مدد مثنی روشنفکر خود فروخته قادر است مسیر تاریخ ایران را عوض کند.

انقلاب ایران دستاوردهای فراوانی داشت علی رغم اینکه روحانیت به یاری تشکل مورد حمایت شاه، سنتهای مذهبی مورد حمایت شاه، توانائی مالی و روابط جهانی، همدستی رویونیستها با آنها و تسلیم ارتش در سر بزنگاه به دستور امریکا به خمینی، موفق به کسب رهبری انقلاب شد و انقلاب را به کژراهه کشاند و با شکست روبرو ساخت، ولی همین انقلاب شکوهمند در ایران تأثیرات عظیمی از خود چه در داخل ایران و جهان و چه در منطقه باقی گذارد که تأثیرات آن تا به امروز نیز مشهود است. دسیسه های امپریالیسم و صهیونیسم به ضد ایران از جنگ تحمیلی گرفته تا تهدید به جنگ و محاصره اقتصادی و قلدری برای نقض حقوق مسلم مردم ایران تا به مردم منطقه درس عبرت دهند تا هرگز به انقلاب دست نزنند تا کنون با شکست مطلق روبرو شده است. آنچه را که امپریالیسم از خارج نتوانسته با موفقیت عملی کند ارتجاع در حکومت با سرکوب مردم و نقض حقوق انسانها و سرکوب

خواستهای دموکراتیک آنها و نادیده گرفتن این واقعیت که حاکمیت ملی ناشی از نیروی ملت است و نه استبداد ولی فقیه، تمام عرصه های لازم برای مثمر ثمر نمودن دسیسه های امپریالیسم و صهیونیسم جهانی را فراهم می آورد. حکومتی که به مردمش متکی نباشد هرگز قادر نخواهد بود در مقابل دسیسه های دشمنان مردم ما با موفقیت عمل کند. این است که بار دیگر این تجربه تاریخ ثابت می گردد که مبارزه به ضد امپریالیسم و صهیونیسم بدون مبارزه پیگیر برای تحقق دموکراسی بی آینده و ناموفق است. بدون حضور مردم در صحنه و شرکت آنها در روند مبارزه اجتماعی که ناشی از وجود دموکراسی در کشور است امکان ندارد بتوان یک جبهه محکم در مقابل امپریالیستها بنا نهاد. در هم شکستن حاکمیت ایران به یک مسأله زمانی تبدیل شده است.

انقلاب ایران شکست خورد ولی انقلاب ادامه دارد و هنوز طبقه مرتجع حاکم نتوانسته است حرکت انقلابی مردم ما را که به خاطر آرمانهای دموکراتیک و انسانی خویش به میدان آمدند و به تحقق آنها دست نیافتند، مهار کند. روند انقلاب ایران که از زمان مشروطیت آغاز شده است تا دست یافتن مردم به خواستههایشان ادامه خواهد یافت. انقلاب ایران شکست خورد زیرا نتوانست به همه خواستههای خود دست یابد ولی نیروهای مترقی و انقلابی ایران مهر خویش را بر انقلاب کوبیدند و مانع شدند که روحانیت ارتجاعی بتواند علی رغم همه سرکوبها و جنایاتش صدای به حق مردم ایران را خفه کند. ایران بیش از سی سال است که در شرایط اضطراری زندگی می کند. ایران بیش از سی و دو سال است که حکومت نظامی مخفی را تحمل می کند ولی هرگز حاکمیت روحانیت و مافیای سرمایه داری کنونی نتوانسته است آمال انقلابی مردم ایران را که آنها به خاطر آن در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به خیابان آمدند از آنها بگیرند. مبارزه مردم ایران منجر به تفرقه در درون حاکمیت سپاه ارتجاعی سرمایه داری برای ادامه بقاء خودشان شده است. همین اصلاحگران کنونی نتیجه فرعی مبارزه انقلابی مردم ایران هستند. این تجربه انقلابی باز به اثبات رسید که اصلاحات همواره محصول فرعی انقلاب است. در روند مبارزه انقلابی است که بخشی از حاکمیت حاضر می شود به اصلاحات گردن نهد. از قدیم گفته اند به مرگ بگیر تا به تب راضی شود. هیچ حاکمیتی با رضاء و رغبت به اصلاحات تن در نمی دهد.

انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ چهره ایران و منطقه را دگرگون ساخت. امنیت اسرائیل و صدور بی مانع جریان نفت از عربستان سعودی به امریکا را به خطر انداخت. به رشد جنبشهای ضد امپریالیستی و صهیونیستی در جهان منجر شد و کرسیهای مرتجعین را در منطقه لرزان ساخت. شکست انقلاب شکوهمند بهمن ایران مانند شکست انقلاب مشروطیت ایران پایان مبارزه مردم ایران نبود و نیست و این مبارزه برای تحقق خواستههای تاریخی مردم ما با نیرو و قدرت بیشتری به پیش می رود. انقلاب ایران تنها موقتا شکست خورده است ولی انقلاب ادامه دارد.

در ۲۲ بهمن ۱۳۸۹ یعنی ۳۲ سال بعد از انقلاب ایران، فرعون مصر، حسنی مبارک با فرار مبارک خود، سنگینی وجود نامبارکش را از سر مردم مصر برداشت. در ۳۲ سال بعد از انقلاب ایران هیأت حاکمه مصر که به خاندان شاه فراری و مورد نفرت مردم ایران پناه داده بود و ضدیت خویش را با انقلاب مردم ایران به نمایش گذارد حال خود آماج مبارزه انقلابی مردم مصر قرار گرفته و فراری شد. انقلاب مردم مصر هنوز سرکوب نشده است و ادامه دارد ولی هر چه بر آن بگذرد یک چیز روشن است که استبداد حسنی مبارک این فرعون مصر این نوکر امپریالیسم و صهیونیسم به پایان رسید و مردم مصر این وجود منفور را که در منطقه منافع اقلیتی ثروتمند و صهیونیستها و امپریالیستها را تأمین می کرد، اخراج کردند به طوریکه ارتجاع مصر و جهان وحشت دارند بیان کنند که این عنصر منفور به کجا پناه برده است و در خدمت کدام امیر مرتجع عرب است. آیا وی در امارات متحده عربی است و یا در عربستان سعودی هنوز بر افکار عمومی روشن نیست.

جنبش مردم مصر به قدرت جنبش مردم ایران نبود. ریشه آنرا باید در ضعف سنتهای مبارزه دموکراتیک و مبارزه کمونیستهای مصر در گذشته و ترکیب طبقاتی جامعه مصر جست و جو کرد. کمونیستهای مصر که به رویونیسم روی آورده و خود را به توصیه روسها در جنبش سوسیالیستی ناصری منحل کردند کوچکترین نقشی در مصر ندارند. در مصر جنبش نیروهای اپوزیسیون به عمق و گستردگی مبارزه اپوزیسیون ایران نبود. در مصر نیروهای مذهبی بیشتر مورد سرکوب قرار گرفته و از آن انسجامی که هواداران آیت الله خمینی برخوردار بودند بهره نمی بردند. آنها دارای یک رهبری متمرکز و مقتدر و پرنفوذ با جذب و جاذبه نظیر آیت الله خمینی نبودند که در مراحل قطعی جنبش حرف آخر را بر زبان آورد. پراکندگی اپوزیسیون، بی دورنمایی آنها، فقدان برنامه سیاسی و تنها بسنده کردن به اینکه مبارک باید برود و عدم تغییر به موقع شعارها، کار آنها را برای راهنمایی مبارزه توده ای در مقابل مانور حاکمیت به بن بست می کشانید. فقدان حزب و حزبیت تأثیرات مرگبار خود را نمایان ساخت.

ارتش مصر با یاری اسرائیل و امریکا به یک عقب نشینی منظم دست زد. در عین برداشتن شلاق شتر سواران و چاقوکشها، نان قندی بی طرفی ارتش را به دست گرفت تا در مردم ایجاد اعتماد نسبت به ارتش بنماید. موش و گربه بازی مبارک برای کسب فرصت و سوق دادن همه سیلاب انقلاب برای افتادن به مجرای سرنگونی شخص مبارک با موفقیت در جریان بود تا ارتش به عنوان ناجی به یک کودتای سرد دست زده و قدرت را همانگونه که بود بدون شکسته شدن ماشین دولتی حفظ کند و روند عقب نشینی منظم را در دست بگیرد. مبارک مانند شاه صدای انقلاب را با تاخیر شنید ولی تجربه شاه به وی و اربابانش یاد داده بود که این عقب نشینی منظم را برای فریب مردم و کاستن از فشار سیل انقلاب چگونه به پیش برد. حاکمیت با مانورهای خویش تمام هدف انقلاب را در برکناری شخص رئیس جمهور خلاصه کرد و آمرانه اعلام کرد که مردم! شما به خواستهای خود رسیده اید بقیه وظایف را ما به عهده می گیریم. پس به خانه های خود برگردید. وعده های ارتش طبیعتاً قابل اعتماد نیست. وقتی ارتش در شرایطی که ملیونها انسان در خیابانند و هر لحظه خطر انفجار وجود دارد حاضر به تسلیم نشد چگونه ممکن است وقتی آنها از آسیاب ریخت و مردم به خانه های خود برگشتند و فضای انقلابی سرد شد ارتش به وعده های خود عمل کند و تسلیم خواست مردم شود.

قدرت خیابان به بی قدرتی در خانه ها بدل می شود. در ایران سپهبد نصیری خائن به هر صورت اعدام شد ولی در اینجا عمر سلیمان که در مصر موجودی به مراتب منفورتر از نصیری در ایران است هنوز بر سر کار باقی مانده است. وی مهره مورد اعتماد اسرائیل و مسؤول سرکوب و شکنجه همه مخالفان مبارک بوده است. در همکاری وی با امریکا همین بس که "تروریستهای" گوانتانامو را به مصر می فرستادند تا آقای عمر سلیمان از آنها به نفع امریکا با حضور مامورین سیا اعتراف بگیرد زیرا شکنجه دادن در امریکا قدغن است و به صلاح حقوق بشر نیست.

خوشحیالی و اعتماد بی حد و حصر به ارتش توسط مردم مصر را باید در بی تجربگی سیاسی و در فقدان رهبری با کیاست و متمرکز در جنبش انقلابی مردم مصر دانست. باید در آن دانست که آنها به درستی درک نکرده اند پایان دیکتاتوری فردی حسنی مبارک پایان دیکتاتوری و سلطه طبقه حاکمه و امپریالیسم و صهیونیسم در مصر نیست. آنها هنوز درک نکرده اند که تا پیروزی نهایی و شکستن ماشین دولتی باید در خیابانها ماند و مردم را بسیج کرد و سطح آگاهی آنها را افزایش داد و حتی با سازمندی به فکر تسلیح مردم بر آمد و آماده شد تا قهر ضد انقلابی را با قهر انقلابی پاسخ داد. دقیقاً آن کاری که مردم ایران در روز ۲۲ بهمن انجام دادند و خمینی مخالف آن بود. همه این مشکلات ناشی از فقدان سازمانهای سیاسی با تجربه و کارآمد و به ویژه حزب طبقه کارگر است که با دانش سیاسی

و اجتماعی خویش و با استفاده از تجربه مبارزات انقلابی سایر خلقها دست مانورهای طبقه حاکمه را بخواند و خویش را با طرح شعارهای نادرست و یا عدم تغییر به موقع آنها و ارتقاء آنها به بن بست نکشاند.

در حالی که در آغاز انقلاب در مصر، در سفارت اسرائیل بسته شد و کارگران کانال سوئز به میدان آمدند و کمر ارتجاع حاکم را شکستاندند و خط انتقال گاز به اسرائیل را در صحرای سینا منفجر کردند، پس از نخستین پیروزی مردم و عقب نشینی مودیان و تاکتیکی هیأت حاکمه سخن از حفظ قرار داد صلح با اسرائیل و به رسمیت شناختن قراردادهای جهانی می رود.

به یاد بیاوریم که هرگز پیمان صلحی میان مردم مصر و دولت اسرائیل بسته نشده است. هرگز مجلس منتخب مردم در مصر حتی مجلسهای فرمایشی مصر به زیر پای این پیمان امضاء نگذاشته است. این پیمان پیمان انور سادات و با مناخیم بگین تروریست معروف است. تکیه تبلیغاتی بر پیمانی که هرگز پیمانی نبوده است بخشی از تبلیغات ایدئولوژیک ارتجاع جهانی برای فریب ملت قهرمان مصر است.

انقلاب مصر در حالت برزخ به سر می برد. اقلیتی که دست ارتجاع را خوانده است حاضر نیست میدان آزادی را تا تحقق همه خواستهای مردم مصر ترک کند. آنها خواهان آنند که با حضور خود در میدان مشعل این مبارزه را روشن نگاه دارند و به مردم مصر هشدار دهند که همیشه ناظر صحنه باشند و به اظهار نظر مردم در میدان توجه کنند.

ارتجاع در مصر توانسته است با توجه به واقعیتهای عینی جامعه مصر و توازن قوای طبقاتی از حالت تدافعی بدر آمده و بیک خیز ضد انقلابی دست زند. آنها از ترس و به "موقع" در آستانه اعتصابات کارگران و کارمندان و امکان سرایت اعتصاب به همه عرصه های زندگی اقتصادی و اداری برگ استعفای مبارک را رو کردند تا انگیزه اصلی انقلاب تحت الشعاع شور و شوق انقلابی قرار گرفته و در فریادهای آن گم شود. ولی هنوز حرف آخر زده نشده است. ارتش هم مجبور است دست به عصا راه رود. آتش فشان انقلاب هنوز می خروشد و ظرفیتش به انتها نرسیده است.

انقلاب مردم مصر آن زور و شتابی را ندارد که انقلاب ایران داشت. تعداد جانباختگان انقلاب صدها نفر است و تعداد واقعی آنها را دولت پنهان می کند. هزاران نفر از تظاهرکنندگان در زندانها به سر می برند و تکلیف آنها روشن نیست. دستگاه ارتش و سازمان امنیت و پولیس و لباس شخصی های شعبان بی مخی هنوز برپا هستند و صدمه ای به آنها نخورده است. انقلاب مصر قادر نشده است مانند انقلاب ایران ماشین دولتی هیأت حاکمه را درهم بشکند.

تبلیغات امپریالیستها در مورد فیس بوک نویسان که ماهیت طبقاتیشان هنوز به روشنی معلوم نیست و جایگاه اجتماعی خویش را نیافته اند و می توانند مخلوطی از خوب و بد باشند، بیشتر به آن خاطر است که از طریق ابزارهایی که خودشان در دست دارند با امکانات وسیعشان در جنبش تاثیر گذارده و در آن اخلال کنند و افکار عمومی باب طبع خویش را در آن به وجود آورده و یا جنبش را در شرایطی که برای آنها نامناسب است به تفرقه بکشاند. جنبش فیس بوک یک جنبش برای غلبه بر مغزها و ساختن افکار عمومی است. این عرصه نیز عرصه یک مباره ایدئولوژیک است. فیس بوک نباید جای سازماندهی حزبی را بگیرد. طبیعتا فیس بوکهائی که از مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم طفره می روند و فقط به ضد حسنی مبارک لشکر کشی می کنند در واقع در همان مسیری سیر می کنند که در سناریوی تنظیم شده از طرف ارتش، جایگاه خاصی برای آنها در نظر گرفته شده است. مسلما از هم اکنون صدها فیس بوک با نام مستعار که اسرائیلیها با زبان عربی می گردانند برای تاثیر در جنبش مصر به

وجود خواهد آمد. تا به بهانه مبارزه علیه اسلام سیاسی و بسیج مردم برای مبارزه با اخوان المسلمین جهت اصلی مبارزه را از علیه رژیم وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم منحرف کنند.

ولی علی رغم این وضعیت ناپایدار انقلاب مردم مصر دستاوردهای مهمی داشته است. سرنگونی مبارک با ۷۰ میلیارد دلار پول دزدی، یک دستاورد بزرگ مردم مصر است. آنها حال یک زمینه مبارزه افشاء گرانه برای بازپس گرفتن این ثروتها را خواهند داشت که البته هرگز پرداخت نخواهد شد. مگر دزدی های شاه بازپرداخت شد که مال مبارک و یا بن علی پرداخت شود؟ ولی همین مبارزه افشاءگرانه مردم، هیأت حاکمه مصر و ممالک امپریالیستی را به شدت تحت فشار گذارده و اعمال متناقض و ریاکارانه آنها به ارتقاء سطح آگاهی توده های مصری منجر می شود. آنها می بینند که امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع بومی با یکدیگر همدستند.

مردم مصر یک زمینه بزرگ مبارزه افشاءگرانه دیگری نیز صاحب شده اند. خبرگزاریها اعلام کرده اند که دولت مصر در پی غنی سازی اورانیوم بوده و این اقدام مورد تأیید آمریکا و اسرائیل قرار داشته است. حال با حقوقی که مردم مصر کسب کرده اند زمزمه های مخالفت امپریالیستها و صهیونیستها با این حق مسلم مردم مصر آغاز شده است. اسرائیل به صراحت نگرانی خویش را از دستیابی مصریها به این فن آوری اعلام کرد و ارتش خویش را در بخش جنوبی اسرائیل تقویت نمود. به زودی ممالک غیر متعهد جهان مجبور می شوند جبهه محکمی در مقابل این زورگونیهای امپریالیستها و صهیونیستها تشکیل دهند و اسناد ریاکاری امپریالیستها را بر صحنه بریزند.

مردم مصر در جریان هفته ها مبارزه خیابانی موفق شده اند که قسماً آزادیهای دموکراتیک را به ارتجاع مصر تحمیل کنند. مجلس دست نشانده که مورد حمایت مبارک و همه کشورهای غربی بود منحل اعلام شد، دیوار سانسور شکسته می شود. آزادی فعالیت سیاسی و انتخابات آزاد باید تضمین شود. اتحادیه های کارگری باید آزادانه به فعالیت بپردازند. مردم مصر قادر خواهند شد حمایت خویش را از مبارزه مردم فلسطین ابراز دارند و خواهان قطع رابطه با اسرائیل و شکستن دیوار نوار غزه گردند.

مردم مصر می بینند که دنیای غرب که دم از دموکراسی و حقوق بشر می زد تا چه حد ریاکار است و از دیکتاتور خون آشامی نظیر مبارک با چنگ و دندان تا به امروز حمایت می کرده است. آنها می فهمند که حقوق بشر تنها یک ابزار سیاسی ریاکارانه در دست امپریالیستها و صهیونیستهاست تا با آن مقاصد شوم خویش را به پیش برند. آنها که رژیم مبارک و سرکوبهای ضد بشری وی را تأیید می کردند و برکشتار قومی فلسطینیها صحنه می گذارند نمی توانند یکشبه دوستان مردم مصر باشند. آنها می فهمند که غرب هنوز هم در پی منافع خویش است و می خواهد سلطه خود را از راههای دیگر ادامه دهد. امپریالیستها و صهیونیستها خواهان کنترل کانال سوئز و امنیت اسرائیل به عنوان سرپل امپریالیسم در منطقه هستند. این دستاوردها را به سرعت نمی توان از مردم مصر باز پس گرفت. این دستاوردها برای نسل کنونی و بعدی مصر باقی می ماند. عرصه جدید پیکار مردم تأسیس احزاب سیاسی، اتحادیه های کارگری، رفع سانسور، کسب آزادی برقراری نمایشات و اعتصابات و... است. ایجاد یک جبهه برای دموکراسی و تعمیق آن همراه با یک سیاست خارجی مستقل ابزاری برای ادامه انقلاب است. انقلاب مصر ممکن است ناکام شود ولی تأثیراتش در منطقه قابل برگشت نیست. کشورهای عربی بعد از انقلاب تونس و مصر همان کشورهای قبلی نیستند. ملیونها نفر در اردن، یمن، الجزیره به حمایت از مردم مصر و تغییرات اساسی در کشورشان به پا خاسته اند. ملیونها نفر سیاسی شده اند و به نیروی لایزال خویش پی برده اند. ملیونها نفر دانسته اند که ما بیشماریم و رمز پیروزی را باید در اتحاد نیروهای مترقی و توده های خلق بجویند. این تجارب با بحث به

وجود نمی آید، نتیجه شرکت در روند انقلاب است و به نیروی مادی در جامعه بدل می شود و نسل به نسل منتقل می گردد.

فرار مبارک موجی از همبستگی و جشن و سرور در سوریه، لبنان، فلسطین، اردن و یمن، بحرین و ایران ایجاد کرد. مردم ایران نیز ضمن ابراز همبستگی و حمایت از انقلاب مردم تونس و مصر روز دوشنبه ۲۵ بهمن در تهران و اصفهان علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی دست به تظاهرات زدند و با فریاد زندانی سیاسی آزاد باید گردد و خامنه ای حیا کن مبارکو نگاه کن، چه تهران چه قاهره دیکتاتور باید بره، چه قاهره چه تهران مرگ بر ظالمان، سید علی بیچاره جنبش هنوز بیداره و... دهها شعار دیگر چماقداران و اوباشان پاسدار و بسیجی و لباس شخصی را به چالش گرفتند.

سلطه قذافی و سلطان مراکش نیز متزلزل است. عربستان سعودی و امارات باید در روشهای اعمال دیکتاتوری خویش تجدید نظر کنند. اسرائیل و امریکا دیگر نمی توانند مانند سابق با سیاست قلدرمنشانه و ضد بشری خویش در سرکوب جنبش فلسطین و تکیه به جاسوسی به نام محمود عباس یکه تازی کنند. منطقه خاورمیانه بعد از انقلاب خلقهای تونس و مصر و جنبش های ضد ارتجاعی و ضد استعماری که در دیگر کشورهای منطقه به پا شده است دیگر خاورمیانه سابق نخواهد بود. نسیم آزادی وزیدن گرفت طوفان است که بناهای ظلم را خراب می کند.

حزب کارایران(توفان)

دلو|بهمن| ۱۳۸۹

www.toufan.org

toufan@toufan.org